تبیین قول ابن جزری در اعتبار خبر واحد در اثبات قرآن

در صفحه پنجم کلام صاحب مفتاح الکرامه بودیم، از نقل قول زرکشی مطالبی پیش آمد. مطالبی هم بود که میخواستم از شروع بحث عرض کنم. برخی از آنها را در جلسه قبل عرض کردم. پایان جلسه قبل نزاعی که بین ابن جزری و سائرین بود را مرحوم آقای شعرانی فرمودند، و بعد فرمودند وقتی علامه چنین بگویند دیگر حرف ابن جزری حرف بی خودی است. تعبیری به «ژاژ می خواید» کردند. من یک چیزی را از خیلی قبل عرض کرده بودم؛ الآن هم که به آن فکر میکردم دیدم من هم بهعنوان یک طلبه این به ذهنم میآید؛ اینکه ابن جزری خودش در منجد المقرئین و در کتابهای دیگرش میگوید که من بهشدت مدافع این بودم که شرط در اعتبار قرائت، تواتر است، اما بعد برای من معلوم شد که این درست نیست. بلکه صحت سند کافی است. اینکه گفت بر من معلوم شد، عدهای گفتهاند که از تواتر عدول کرده، اینکه غلط فاحش بود و قبلاً عرض کرده بودم. او که اصلاً از تواتر عدول نکرده است. در منجد المقرئین که مثل آفتاب تواتر را توضیح میدهد. ابوشامه را رد میکند. در النشر هم که همین حرف -عدول کردم- را میگوید از سبکی -پدر و پسر- نقل میکند و میگوید تواتر قرائات عشر ضروری دین است. یعنی آن چه که شهید اول فرمودند. سبکی از نظر طبقه مقدم بر شهید اول است. این را میآورد و میگوید استفتاء کردم و گفت قرائات عشر ضروری دین است. یعنی یک مفتی بزرگی در شامات ای مصر بود. سبکی کجا بود؟! پدر و پسر.

لذا ابن جزری از تواتر که عدول نکرده. اصلاً النشر را برای تواتر قرائات نوشته. او از شرطیت تواتر برای اعتبار یک قرائت عدول کرده. قبل از آن می گفته حتماً باید متواتر باشد تا معتبر باشد. میگوید آن هایی که متواتر هستند، خب متواتر هستند. من برای آنها کتاب نوشته ام و باز هم مینویسم. اما قرائاتی هستند که متواتر نیستند اما معتبر هستند. عدول ایشان به این صورت است. این خیلی تفاوت میکند. اما مادام میگویند ابن جزری از تواتر عدول کرده است. درحالیکه از تواتر عدول نکرده است. بلکه از شرطیت تواتر در اعتبار قرائت عدول کرده.

این برای قدم اول است. قدم دوم این است: حال که متواتر نیست آیا با علامه مخالفت کرده؟ من جلوتر عرض کردم آن چیزی که به ذهن من بود این است: اتفاقا ابن جزری ابتدا مدافع تواتر بود، کار درستی هم میکرد. بعد که در علم پیشرفت کرد و در فن خودش پخته شد، گفت چرا بگوییم تواتر شرط است؟! گفت صحت سند کافی است.

ما بگوییم این یا قصور یا تقصیر است؛ اگر قصور باشد از فضای مطالب کلاسیک مدون است. تقصیر هم باشد از بی سلیقگی امثال ابن جزری میشود. یعنی شما میتوانستید با حفاظ بر تواتر بدون اینکه از اشتراط تواتر دست بردارید، تواتر را توضیح بدهید. تواتر را باز کنید. تواتر را با مثالهای کالشمس از حالت مضیق در بیاورید. این عرض من است.

لذا من عرض می‌کنم این‌که تواتر شرط قبول قرآنیت است و قرآن کریم باید متواتر باشد، ما از این عدول نمی‌کنیم. درست هم هست. آن هایی هم که گفته‌اند درست است. این جزری که گفته صحت سند کافی است و تواتر شرط نیست، یعنی تواتر زمان خودش به نحو کلاسیک. در اینجا اشتباه کرده. باید بگوید که تواتر شرط است اما نه فقط تواتر نزد من. نه تواتر زمان من. مطلق تواتر. اگر ما توانستیم ثابت کنیم قرائت این مسعود در کوفه متواتر بود کافی است. قرآن با تواتر ثابت می‌شود، که منصف می‌فهمد که قرآن در آن زمان متواتر بوده. دیگر چه می‌خواهید؟! چرا از اشتراط تواتر عدول می‌کنید؟! این یک نحو بد سلیقگی در بیان مطلب کلاسیک می‌شود.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 15:13:23 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 11:32:43 توسط ... .